

# ایران و غرامت جنگ ۸ ساله

دکتر نعمت احمدی

وکیل دادگستری و مشاور حقوقی

غرامت جنگی می‌باشد. زیرا صدام بود که پشت پا به قرارداد بین‌المللی سال ۱۹۷۵ زد. بعد از جنگ نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد با تأنی و تا جایی جانبدارانه به قضیه جنگ ایران و عراق نگاه می‌کرد.

سرانجام قطع‌نامه ۵۹۸ صادر و برابر این قطعنامه قرار شد متجاوز شناخته و غرامت جنگی را بپردازد، با تأسف دولت ایران مجموعه‌ی فعالی که دنبال اجرایی کردن قطع‌نامه ۵۹۸ باشد را تشکیل نداد که البته بزرگان مملکت حداقل برای آیندگان هم که شده باید علت این تعلل را بیان کنند. صدام جنگ افروز که توانسته بود به بهانه جنگ علیه ایران انواع و اقسام تجهیزات جنگی را در اختیار بگیرد به ادعای قدیمی عراقی‌ها که در زمانه فروپاشی دولت عثمانی و تشکیل چند کشور در متصرفات عثمانی خود را متضرر می‌دانستند و می‌گفتند کویت ادامه خاک عراق است. این بار به کویت حمله برد. از جنگ کویت دو سود متوجه ایران شد. نخست: اینکه عراق به سرعت به پشت مرزهای واقعی ایران و عراق عقب‌نشینی کرد. دوم اینکه: دیر کل وقت سازمان ملل - خاویرپرز دکویبار - صراحتاً دولت عراق را آغازگر جنگ معرفی کرد. حداقل از این تاریخ ایران نیازی نداشت تا برابر قطع‌نامه ۵۹۸ ثابت کند که عراق آغازگر جنگ می‌باشد. با این دلیل متقن و بیان قانونی از ناحیه سازمان ملل ایران باید درخواست غرامت خود را که بعضی از مسوولین هزار میلیارد دلار برآورد کرده‌اند را در دادگاه بین‌المللی مطرح می‌کرد. کویت نزدیک به ۶ ماه تحت اشغال عراق بود. وقتی آمریکایی‌ها لشکر عراق را از کویت بیرون کردند و حتی می‌توانستند صدام را هم دستگیر کنند به باور من تنها به این علت که غرامت جنگی کویت را از دولت جدید نگیرند و از صدام وصول کنند صبر کردند، دولت کویت ادعای غرامت کرد. نخست غرامت مردم کویت که طی ۶ ماه ضرر دیده بودند، حال یا اموال آنها به غارت رفته بود یا منزل آنها تخریب شده بود. جالب است بدانیم بسیاری از ایرانیان مقیم کویت هم توانستند غرامت اموال خود را بگیرند. دومین غرامت، ضرری بود که به تأسیسات زیربنایی و روبنایی کویت وارد شده بود و سومین غرامت که مهم‌ترین آنها بود صرف حمله به کویت و توهین به این کشور بود و به همین اعتبار، خسارات مردم از پول نفت عراق در همان ماه‌های اول پرداخت شد. خسارات دولت کویت به اقساط هنوز پرداخت می‌شود.

□ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را باید یکی از جنگ‌های طولانی قرن بیستم دانست. جنگ اول جهانی حدود ۴ سال و جنگ جهانی دوم چهار سال و نیم ادامه داشت. جنگ‌های منطقه‌یی مانند جنگ کره هم به سرعت تمام شدند اما جنگ ویتنام، جنگی طولانی بود، به جنگ‌های اعراب و اسرائیل نگاه کنید. جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ و جنگ رمضان ۱۹۷۳ عمری کوتاه داشتند. جنگ ویتنام بیشتر در مناطق روستایی و جنگل‌ها و در واقع جنگی چریکی بود. یک طرف چریک‌های ویت کنگ و یک طرف لشکر مدرن آمریکا، آمریکایی‌ها هم از طولانی شدن جنگ راضی بودند چون کلیه سلاح‌های نامتعارف و ممنوع را در ویتنام امتحان کردند. اصولاً ویتنام آزمایشگاهی شد که اسلحه‌های جدید را امتحان کنند.

جنگ عراق علیه ایران، اما از نوعی دیگر بود. برای اولین مرتبه تمامی دنیا پشت یک کشور قرار گرفت و حساب‌های پردخیره ارزی اعراب و مستشاران نظامی آنها به همراه کمک‌های غرب در یک جنگ علیه یک دولت دست به دست هم دادند، مرز طولانی ایران با عراق که پنج استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان را شامل می‌شد زیر آماج حملات قرار دادند. روز اول جنگ صدام طرح اسرائیلی زمین گیر کردن نیروی هوایی ایران را پیاده کرد به فرودگاه‌های ما حمله برد و از آن پس هر چه در توان دیگران بود که در اختیار صدام گذاشته بودند در جهت تخریب کشور ایران به کار برد. دولت عراق نسبت به خط مرزی اروند رود برخلاف قواعد بین‌المللی که - خط القعر - یا - تالوگ - را مرز دریایی می‌دانند ادعای مالکیت بر کل شط العرب که همان اروند رود است را داشت. تا اینکه در سال ۱۹۷۵ در الجزایر کنفرانس اسلامی برگزار و شخص شاه ایران در این کنفرانس شرکت کرده بود از عراق - صدام حسین - که معاون - محمد حسن البکر - اما در واقع همه کاره بود نیز شرکت داشت به کمک سران دولت‌ها خصوصاً - هواری بومدین - رییس جمهور الجزایر قراردادی که بعداً معروف به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر شد، بین شاه و صدام منعقد و خط القعر اروند رود مرز مشترک آبی ایران و عراق شد. صدام بعد از پیروزی انقلاب و با این فکر که دولت نوپای انقلابی نمی‌تواند ماشین جنگی او را زمین گیر کند، نخستین عمل ضد حقوقی یعنی پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ را انجام داد و عملاً خود را مهبیای جنگ با ایران نمود. این مسله یعنی پاره کردن قرارداد رسمی و بین‌المللی الجزایر، اولین دلیل ایران برای درخواست

به نظر من عدم اقدام ایران برای دریافت غرامت نقطه مخفی وقایع بعد از جنگ می‌باشد، چه علتی دارد که ما علی‌رغم این که سازمان ملل با قاطعیت ایران را مظلوم جنگ و عراق را متجاوز اعلام کرده بود، حرکت و اقدام عملی که نشانه‌ی تحرک دولت ایران باشد را نشان ندادیم و تا زمان حمله آمریکا به عراق نیز چنین تحرکی دیده نشد. با اشغال عراق و دستگیری صدام حسین و سر و صدای آمریکایی‌ها مبنی بر بودن سلاح کشتار جمعی در عراق که به عنوان یکی از دلایل جنگ و اوهام اصلی صدام بود، همه کوشش دولت‌های غربی به کار گرفته شد تا رد و نشان فروشندگان سلاح‌های شیمیایی را پیدا کنند، دولت هلند یکی از فروشندگان مواد شیمیایی را مورد تعقیب قرار داد، موادی که باعث تولید گازهای شیمیایی و بمب شیمیایی شده بودند و مردم- حلبچه و سردشت- ایران را طی کشتاری دسته جمعی نابود کرده بود. در- سردشت- «انجمن حمایت از مصدومین سلاح‌های شیمیایی» تشکیل شده است. از شهدا که هیچ بازماندگان حادثه شوم حمله شیمیایی به سردشت، واقعاً مظلوم‌ترین بازماندگان جنگ می‌باشند. این انجمن فعال شد و نماینده‌ای به هلند فرستادند و تاجر هلندی محکوم شد. دومین دلیل قانع کننده و حقوقی، حکم قطعی دادگاه بین‌المللی لاهه مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی به وسیله صدام هم به جمع ادله ما افزوده شد. زمانی که صدام دستگیر و قرار شد محاکمه شود. من به اتفاق دو نفر از همکارانم آقایان صالح نیک‌بخت و اکبر سردارزاده نامه‌ای به رییس دادگاه صدام نوشتیم و خواستار حضور در دادگاه و اعلام وکالت از ناحیه وراث شهدای سردشت و نیز بازماندگان این حادثه هولناک شدیم، در نامه‌ای جداگانه باز هم خواستار آن شدیم که به ما اجازه داده شود، حال که دولت ایران درصدد طرح دعوی نمی‌باشد ما به وکالت از جمعی از مردم که غرامت خواسته‌اند، طرح دعوی نماییم. سیل نامه‌ها و تلفن از طرف مردم روانه شد.

اما رییس دادگاه صدام به نامه‌های ما پاسخی نداد. این باعث شد که ایران فعال شود و جلسات متعددی تشکیل شد و گفتند که چون درخواست غرامت از جمله وظایف دولت و مربوط به حاکمیت ملی می‌باشد، لذا دولت خود را موظف می‌داند که رأساً پرونده وصول غرامت را دنبال کند. یکی دو سه جلسه ظاهراً با حضور بعضی از حقوقدانان در وزارت امور خارجه تشکیل شد و از من هم دعوت به عمل آوردند، ولی من به لحاظ کمی وقت شرکت نکردم، دلیل دیگرم آن بود، معتقد بودم حداقل انجمن حمایت از مصدومین شیمیایی سردشت و نیز گروهی از مردم درخواست غرامت بکنند اگر ملاحظه سیاسی هم در کار باشد، دولت می‌تواند طرح این دعاوی را از ناحیه مردم بداند نه دولت و می‌شد حکمی گرفت که مبنای درخواست احتمالی دولت باشد.

البته مدتی روزنامه‌ها، خبر دادند که قوه قضاییه و دادستانی کل کشور درصدد تهیه دادخواست و ادله آن برای مطالبه خسارت می‌باشند، ولی ظاهراً خبری نیست، شاید بتوان دولت ایران را جزو معدود دولت‌هایی دانست که علیرغم داشتن ادله کافی که برشمرم

و به راحتی می‌تواند احقاق حق نماید، تاکنون با این قضیه، فعال برخورد نکرده است. می‌دانیم که مسولیت‌ها بستگی به شخص ندارد، یعنی بودن یا نبودن صدام برای طرح دعوی لازم نیست. وقتی محکمه صدام شروع شد، مناسب‌ترین زمان بازخواست از او بود، درپرونده هلند که تاجر هلندی فروشنده مواد شیمیایی محاکمه می‌شد این فرد- فرانس آن لاین- نام دارد. یکی از قضات با شخصیت امروزی دنیا دادستان هلند می‌باشد، این فرد با عنوان مدعی العموم شاکی پرونده هم هست از باب حقوق عمومی، نام وی وی کن فن است، دو سه بار به ایران آمده و با ادله ثابت کرده است که هشت نقطه در ایران علاوه بر سردشت بمباران شیمیایی شده است، منهای جبهه‌های جنگ، این مناطق عبارتند از: ۱- بیمارستانی در آبادان ۲- چند روستا در اطراف خرمشهر که خالی از سکنه بودند ۳- سردشت ۴- اطراف اشنویه ۵- منطقه (آلوت) واقع در شهرستان بانه ۶- روستای مجمار در مریوان ۷- روستایی اطراف گیلان غرب و آخرین منطقه روستای (زرده) نزدیکی کرمانشاه که این روستا حدود ۴۰۰ نفر شهید و مصدوم بالای ۸۰۰ دارد.

فرانس آن لان تاجر هلندی به ۱۵ سال زندان محکوم شد، در هلند طولانی‌ترین مدت زندان ۱۵ سال است، یعنی حداکثر زندان ۱۵ سال است که این تاجر محکوم شد، شکات هم عبارتند از:

عده‌ای از بازماندگان وراث کشته شده در حلبچه که مقیم هلند بودند. بعد از طرح پرونده شکات زیر هم به آن اضافه شدند: عده‌ی از وراث شهدای سردشت، عده‌ای از وراث شهدای واقعه‌ی انفال در کردستان که صدام به مردم کرد خود حمله برد، بسیاری را کشت و اموال آنان را دولتی معرفی کرد که به واقعه‌ی انفال معروف است. علاوه بر آن انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت هم جزو شکات بودند. باید یاد و نامی مجدد از دادستان حق جوی آمستردام. آقای وی کن فن بکنم که دلسوزانه این پرونده را پیش برد و بزرگ‌ترین سند را هم برای ما تهیه دید.

نمی‌دانم چرا و چگونه و با کدام دلیل، دولت ایران در این بخش ملاحظه کاری می‌کند و الا ویرانی جنگ تنها به زمانه خود نبود تا امروز هم تبعات این جنگ دامن گیر مردم است. جنگ هنوز ادامه دارد و میادین مین قربانی می‌گیرند، در سفری که به کردستان داشتیم و بیمار شده بودم به بیمارستان مراجعه کردم، درست در همان زمان چوپان جوانی را آوردند که مین دو پای او را قطع کرده بود، نگاه ملتسم او به پزشکان و فریادهای دلخراشش که یعنی من دیگر نمی‌توانم روی پاهایم راه بروم و شیون مادرش که به سرو صورتش چنگ می‌انداخت هنوز در گوشم هست. باید حق این مردم را که از جنگ آسیب دیدند و ۸ سال مانع پیشرفت این کشور و ورود هزاران میلیارد دلار خسارت به تأسیسات زیربنایی به همراه شهید شدن هزاران نفر و مفقود شدن و اسارت فرزندان این آب و خاک و مجروحین و مصدومین و کلاً تبعات جنگ، خسارت آن را وصول کرد، این وظیفه حاکمیت است و باور دارم که عملی خواهند کرد زیرا حقی نیست که کسی بتواند آن را بیخشد بلکه اعمال حاکمیت یعنی تامین حقوق مردم. ■